

متن پرسش

بسمه تعالی با عرض سلام: بنده دانشجوی کارشناسی ارشد یک رشته مهندسی در دانشگاه امیرکبیر هستم. مدتی بود و هست که نحوه برخورد با سخنان حضرت آقا برایم سوال شده که آیا واقعا ایشان نایب امام زمان (عج) است؟ اگر هست پس تقریباً حکم مسلم ابن عقیل را باید برای ما داشته باشد و وای بر ما اگر چنین باشد و... که خداوند مثل همیشه بنده را هدایت فرموده و توفیق خواندن جزوه «گویای ولی شناسان رفتند از این ولایت» استاد را نصیب من کردند اما سوالاتی در ذهن بنده پیش آمد که هم برای بنده دانستنش ضروری ایست هم شاید به بهبود متن حاضر در آینده کمک کند ان شاءالله، آن نکات و سوالات از این قرارند: ۱. چرا امام خمینی (ره) یک انسان قدسی است؟ (این مهمترین سوالی است که باید قبل از خواندن چنین متنی پرسیده شود و خیلی خوب و قوی از آن دفاع شود تا بتوان ادامه بحث را پیگیری و تامل نمود....) ۲. چرا نایب امام زمان (عج) است؟ ۳. این انسان قدسی چطور مامور به این امر شده؟ آیا روایتی از معصوم راجع به چنین موضوعی داریم که انسان قدسی غیر از امام زمان هر عصر وجود دارد که به انسان ها نظر ولایت داشته و روح و جان آنها را متاثر کند یا فقط به اشعار چند شاعر باید بسنده کرد؟! ۴. شما می فرمایید که انسان با جنبه روحانی خود متوجه چنین فردی (انسان قدسی) می شود حال اگر فردی به هر دلیل متذکر چنین وصفی نشد، آیا نمی توان از راه دیگر این موضوع را به او فهماند؟ بسیار بسیار متشکر. بنده منتظر لطف پاسخگویی به این سوالات از طرف شما هستم. یا علی (ع)

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مبانی عرایض بنده به خصوص در رابطه با اشراقی که به قلب امام به صورت انقلاب اسلامی ظهور کرد، در دو کتاب «سلوک ذیل شخصیت امام خمینی» رضوان الله تعالی علیه و «امام خمینی و سلوک در تقدیر تاریخی زمانه» باید دنبال شود. آنچه مهم است توجه به آن نوع معارفی است که قرآن در نسبتی که بین خدا و رسولان است و بین خدا و امت رسولان می باشد، متذکر می شود که وحی را نه تنها بر رسولان بلکه بر امت آن ها مثل حواریون به میان می آورد. این آن معرفتی است که در دنیای جدید مورد غفلت جدی قرار گرفته و باید بازخوانی شود. در شرح مقدمه ی کتاب «عقل و ادب ادامه ی انقلاب اسلامی در این تاریخ» تا حدی سعی شد این بازخوانی صورت گیرد و معنای «گویای ولی شناسان رفتند از این ولایت» روشن شود که حقیقتاً ولی الهی در این تاریخ کیست.

نکته‌ی دوم موضوع روایتی بود که از امام رضا «علیه‌السلام» در جزوه‌ی مذکور مطرح شد که می‌فرمایند: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ لِأُمُورِ عِبَادِهِ شَرَحَ صَدْرَهُ» اگر خداوند بنده‌ای از بندگان را جهت امور مردم انتخاب کرد، سینه‌ی او را گشاده می‌گرداند. تا در مدیریت خود کوچک‌ترین لغزشی نداشته باشد و امور بندگان را با وسعت نظر سر و سامان دهد. «فَلَمْ يَغَيَّرْ بَعْدَهُ بَجَوَابٍ وَ لَمْ تَجِدْ فِيهِ غَيْرَ صَوَابٍ» در نتیجه آنچنان توانا می‌شود که در جواب‌گویی به هیچ نیازی در نمی‌ماند و غیر از صواب از او نخواهی یافت و به‌خوبی مصلحت مردم را در نظر می‌گیرد. «فَهُوَ مُوَفَّقٌ مُسَدِّدٌ مُؤَيَّدٌ» [۱] پس او در کار خود موفق و محکم و مورد تأیید الهی است.

از همه مهم‌تر مگر به ما نفرموده‌اند که: «اعرف الحق تعرف اهله» حق را بشناسید و مطابق آن اهل آن را بشناسید. حال از خود بپرسید مثلاً اگر در این کنفرانس بین‌المللی دفاع از حقوق فلسطین که اخیراً تشکیل شد، وجود مقدس حضرت حجت «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» تشریف داشتند و می‌خواستند یک راه‌کار جامع برای جهان اسلام بدهند، جز همین سخنانی را می‌فرمودند که مقام معظم رهبری «حفظه‌الله» مطرح کردند؟ آیا تصور بالاتری نسبت به آن چه گفته شد، می‌توان داشت؟

قبول دارم باید بر روی موضوع ولیّ شناسی مطابق این تاریخ کاری جدی صورت بگیرد و در همین رابطه به رفقا عرض شد بر روی جزوه کار شود تا این‌شاء‌الله اجمال آن به تفصیل در آید و مطالب آن که معارف گمشده‌ی ما است، به تاریخ ما برگردد و بحمدالله شنیدم کار را شروع کرده‌اند تا پس از چند جلسه‌ای که کار می‌کنند و سؤالات تنظیم می‌شود، بنده در خدمت‌شان باشم. موفق باشید